

این مثل چشم فطانت و نورانی و شیشه پوشیده مانند که در هم اند
 امور طبیعی موثر و فعال است و لذا از تحلیلی و خردمندانه در اندان
 پیدا شود و تردد بر سر دیوار بلند می شود و سقوط کرده و بالا
 اگر در زمین بر همان قدر مسافت حرکت کند و هم سقوط نباشد
 و همانا بعد از آنکه این احوال عقل را از قبول امثال آنچه درین
 مجال نموده شد استسکانی نمایند این وجهیست که از جهت
 تشبیهل بدارکت افهام هم رسان حکمت ربی بر لوح
 تدوین ثبت رفت **نظم** بالا تر ازین زبان و زبان و کرامت
 سر غم عشق را بیان و کرامت **نظم** درین شمس که
 انوار تجلیست **نظم** دارم ولی ناکفایت اولیست **و اما**
 صلاحه است که خویشان خود را در ثروت و رفاهیت
 با خود شریک گردانند و حتی که فراتر صورتی را حقیقت
 فراتر معنوی را که تناسب روحانی است و افزاین
 و فراتر است **نظم** خواننده صلاحه را در بکار رعایت حق ادا کند

واقع است چنانچه نیست بصواب عمر علیه گفته القرائه
 لحم و دم و القرائه روح و نفس و شبانهن مابینها **نظم** و این
 که بسیار است فرق از آب و گل تا جان و دل **و اما** که
 است که مرقعی که از کسی باورسد بقبل این باینما و بر این
 مقابل گرداند و اگر ضرری از کسی باورسد بکس از آن مجازا
 کند و اما حسن شرکت است معادلات برومی کند که
 که موجب اخلاف خاطر شد کاشا شد بحسب امکان **نظم**
 محافظت بر قانون عدالت و اما حسن قصا است که حقوق
 مردم بگذارد و خود را از نسبت دندست بری دارد و اما تود
 طلب دوستی اکفا و افاضل است به طیب کلام و انعام
 و کرام و دیگر اسباب که موجب جلب محبت تواند شد
 و اما تسلیم است که با حکم الهی و نواهیست شرعی و اوصاف
 بنویسند و نظایر آن از رسوم این است رعیت و مشایخ طریقه
 رضاداد و بحسن قبول تلقی نماید که چه موافق طبع او باشد